



تاتی و تالشی، بازمانده زبان ماد

تاتها و تالشان دو قوم ایرانی هستند. تالشان در کناره های غربی دریای مازندران و تاتها عمدتاً در استان اردبیل، آذربایجان شرقی و استان قزوین زندگی می کنند. زبانی که تاتها بدان سخن می گویند در زمانهای گذشته گسترش بیشتری داشته و به استناد شواهد عینی و پژوهشهایی که انجام گرفته است، زمانی همه اهالی آذربایجان و قزوین و زنجان و طارم را فرا می گرفت. بعدها با اشاعه زبان ترکی، تاتی کم کم از میان رفت و تنها ساکنان چند آبادی در سراسر دیار پیشین، این زبان را نگهداری و تا به امروز رسانده اند. 1 از شمار تاتهای کنونی آمار درستی در دست نیست، ولی جاهای سکونتشان در ایران چند آبادی در بخش شاهرود خلخال، چند آبادی در رودبار گیلان، شال (چال) و اسفرورین تاکستان و بوئین زهرا در قزوین، 2 هرزند و گرینکان و گلین قیه در مرند، زنوز و حسنو در قره داغ 3 و بخشی از ساکنان شبه جزیره آبشوران، سوراخانی، بالاخانی، باکو، نواحی شماخی، قوبا، قوناخ کند، دیوچی، خیزی و دیگر بخشهای

جمهوری آذربایجان. همچنین ناحیهٔ دربند و برخی دیگر از نواحی داغستان و کاتیاکو و طبرسران 4 در روسیه نیز تات نشین است، 5 بنا به آمار مندرج در فقه اللغة ایرانی عده تاتهای کشور شوروی (احتمالاً به استناد نتایج سرشماری سال 1926) قریب یازده هزار نفر بود؛ ولی این رقم در ایران به مراتب بیشتر است، زیرا تنها در آبادی های اسبو، اسکستان، درو، کلور، شال، دز، لرد، کرن، گیلوان و گلوزان در شاهرود خلخال بیش از پنجاه هزار تن به زبان تاتی سخن می گویند. 6 به سبب اینکه پژوهشگران ایرانی تاکنون وقت کمی را صرف تحقیق در زبان و فرهنگ تاتها نموده اند، از بابت آثار مرجع دست وبال ما چندان باز نیست. کتابهای آذری یا زبان باستان آذربایجان تالیف احمد کسروی، گویش آذری تالیف رضا ملک زاده، تاتی هرزنی، خلخالی یک لهجه آذری تالیف عبدالعلی کارنگ، زبان دیرین آذربایجان تالیف منوچهر مرتضوی، دستور زبان تاتی جنوبی و مقالات مختلف دکتر احسان یارشاطر، گویش گلین قیه تالیف یحیی نکا، اهم آثاری هستند که برای آشنایی با تاتی می توان به آنها مراجعه نمود. در شوروی سابق تحقیقات قابل توجهی دربارهٔ زبان و فرهنگ تاتی انجام گرفته است، چنان که تاتی زبانهای آن کشور برای خود خط و کتابت ویژه ای داشتند و در ظرف چهل - پنجاه سال اخیر کتب و تالیفات بالنسبه فراوانی به زبان تاتی منتشر شده است؛ من باب مثال می توان اشعار و نمایشنامه های م - بخشی اف متولد 1910، اشعار و داستانهایی د. آنتی لوف متولد 1913، و افسانه های خ. داداش اف را نام برد. در سال 1940 مجموعه ای از فرهنگ عامه تاتی چاپ و منتشر شد.

از پیشینه تاریخی و سیر تکوینی تاتی هنوز آگاهی چندانی در دست نیست. کسروی در کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان، زبان مردم آذربایجان تا ورود ترکان به آن دیار و اشاعه زبان و فرهنگ ترکی را آذری نامیده و تاتی کنونی را ادامه و بازمانده آذری معرفی نموده است. اورانسکی در مقدمه اش می نویسد: کلمه تاتی ظاهراً در آغاز بر نژاد و قبیله ای اطلاق نمی شد. قبایل صحرانشین که غالباً ترک بودند، مردم زراعت پیشه و تخته قاپوی ایرانی زبان را تات می خواندند. برخی دیگر از دانشمندان کلمهٔ تات را با تاجیک مربوط می دانند. گروهی از پژوهشگران ایرانی هم نظری مشابه اورانسکی دارند. ملک الشعرا بهار نوشته است: تات به معنی تازی و تاجیک یعنی فارسی زبانان... ایرانیان از قدیم به مردم اجنبی تاجیک یا تازی می گفته اند. چنان که یونانیان بربر و اعراب، و عجمی یا عجم گویند. این لفظ در زبان

دري تازي تلفظ شد و رفته رفته خاص اعراب گرديد؛ ولي در توران و ماورالنهر لهجه هاي قديم باقي ماند و به اجانب تاجيك مي گفتند. بعد از اختلاط ترکان آلتايي با فارسي زبانان آن سامان لفظ تاجيك به همان معني داخل زبان تركي شد و فارسي زبانان را تاجيك خواندند. 7 همچنين تات لفظ تركي به معني عناصر خارجي ساكن سرزمين ترکان. اين لفظ در كتيبه هاي اورخون - قرن هشتم م - آمده است و تاريخي طولاني و پيچيده اي دارد و تغييراتي در معني آن راه يافته و مثلاً به ملل تحت استيلاي ترکان و بالاخص - در دوره استيلاي ترکان بر ايران - به ايرانيان اطلاق شده است. بالاخره لفظ تات به گروههايي از مردم ايراني نژاد ساكن ايران و قفقاز اطلاق شده است كه به لهجه هاي تاتي تكلم مي كنند. 8

نكته ديگري كه نمي توان نسبت به آن بي توجه ماند اين است كه در زبان تركي تات به معني لذت و مزه نيز آمده است. و اما در روش تحقيق پيرامون زباني كه در حال نابودي و فاقد خط و كتابت است، آگاهي به يك هسته مركزي، يا همان نمونه اي با توجه به مجموعه شرايط، اصيل تر لازم به نظر مي رسد، ليكن تعيين چنان هسته يا نمونه اصيل تر دشوار است، مگر اينكه به ريشه و چشم اندازي از ويژگي هاي زبان مورد نظر در زمان هاي گذشته پي برده شود. اكنون در مورد تاتي و تالشي چنين نيازي شديداً محسوس مي شود. در زبان تاتي با توجه به مقالات و كتبي كه از سوي پژوهشگران ايراني نشر يافته و همچنين بر مبناي مقايسه اي كه بين گويشهاي مختلف زبان مزبور مي توان انجام داد، پي بردن به ويژگيهاي اين زبان در گذشته و حال به نسبت قابل توجهي ميسر است؛ لذا به نظر نگارنده تاتي شاهرود خلخال را به سبب اينكه اولاً داراي چنان ويژگي هايي است كه آن را به نمونه هاي ديرين زبان تاتي سخت پيوند مي دهند، و ثانياً تأثير نسبتاً كمی كه از زبان هاي غير تاتي پذيرفته است مي توان نمونه اصيل تر و يا هسته مركزي زبان تاتي آذربايجان تعيين نمود. گرچه كسروي تاتي هر زني را اصيل تر به شـ

مار آورده اسـ

ولي درباره تالشي حتي آن آگاهي هاي اندكي كه از گذشته زبان تاتي موجود مي باشد، در دست نيست و حتي تاليفات دانشمندان چون و ب. ميللر ، و. گيگر و پرفسور درن به سهولت قابل رجوع نيست؛ لذا تعيين يك نمونه اصيل تر و هسته مركزي براي زبان تالشي، بسيار مشكل است، راه ديگري كه براي حل اين مشكل وجود دارد، اين است كه ضمن بررسي عيني گويشهاي مختلف زبان مورد نظر، در ميان كساني كه اكنون در ايران به زبان تالشي سخن مي گویند، گويشي را

موقتاً هسته مرکزی نامید که نسبت به دیگر گویشها از زبان های دیگر تاثیر کمتری پذیرفته باشد. و باز به نظر نگارنده تالشی ناحیه بین دو رودخانه سفارود و ناورود در شهرستان تالش که اولی در تالش دولاب و دومی در اسالم جاری می باشد از چنان امتیازی برخوردار است. اکنون حدود پانصد هزار نفر تالشی زبان در ایران زندگی می کنند که عمدتاً در شهرستانهای تالش، فومن، رضوانشهر، ماسال و شفت سکونت دارند. طایفه ها، گروهها و خانواده های تالشی نیز در گذشته به ویژه در دوران حکومت سلسله های صفوی و افشار به دلایل سیاسی به دیگر نقاط کوچانده شده اند. اکنون محله های تالشی نشین در شهرهای گرگان، بهشهر، رامسر، تنکابن، لنگرود، نشتارود، مغان - در این شاهسون - و . . . وجود دارد. همچنین تالشان اکثریت ساکنان نواحی لنکران و زووند و آستارای جمهوری آذربایجان را تشکیل می دهند. محققان معتقدند که تالشان، ساکنان اصلی نواحی غربی کرانه های دریای مازندران می باشند و در گذشته نقاط مسکونی شان بیشتر از حال به سوی شمال پیش رفته بود و با نقاط تات نشین از غرب تماس می گرفت؛ اما اصطلاح نژادی تالش در منابع قرون وسطی دیده نشده است. قلمرو انتشار زبان تالشی از قرن دوازدهم میلادی که قبایل ترک زبان به سرزمین مزبور روی آوردند، به تدریج محدود شد. 9 اکنون نیز عمده ترین خطری که زبان تالشی را تهدید می کند زبان ترکی است، چنان که از تالشی زبانهای عنبران و آستارا تا نقاط شمالی هشتپر بخشی کاملاً ترک زبان و بخشی دیگر دوزبانه شده اند.

تاتی و تالشی نخستین

در مورد تاتی و تالشی نخستین موضوعی که ذهن را به خود مشغول می نماید، این است که آیا آنها زبان هستند یا گویش؟ دوم اینکه آیا اینها گویشهایی از یک زبان هستند یا هر یک گویشی از زبانی جداگانه اند؟ پاسخی کافی و درست در این باره دست کم در نوشته های فارسی دیده نشده است؛ اما به نظر نگارنده و به استناد مجموعه ای از دلایل و شواهد موجود، تاتی و تالشی زبان مستقلی می باشد. شاخه ای جدا شده از تنه نیازبان، چنان که فارسی نیز شاخه ای از تنه همان نیازبان است. با این تفاوت که تاتی و تالشی از سده ها پیش در اقلیت افتاده و نیز به پشتوانه ادبی و فرهنگی مدونی متکی نیست؛ اما در عین حال نزدیکی های بیشتری با زبان فارسی دارد. این ویژگی در واژگان، افعال، آواها و قواعد دستوری زبان مزبور کاملاً پیداست. جدولهای زیر می توانند شاهدهی بر این ادعا باشند.

يك - تطبيق برخي از واژه هاي تاتي و تالشي و فارسي با اوستايي
 اوستايي، پهلوي تاتي تالشي فارسي
 ياس خاس خاس خواست
 نم خم خم خم، خميدن
 اوستن ايسوئن ويسوئه كشيدين، كشانندن
 زست دس دس دست
 بو بو بو- ببي مي شود
 تاشيتن تاشستن تاشته تراشيدين
 از ازن انته اينچنين، ايدون
 هونزَ هونر خنر هنر
 فشو، پسو پس پس، گوسند گوسفند، ميش
 نس رس رس رسيدن
 ويد وير وير ياد
 برزَ برز برز بلند
 چشمن چشم چم چشم
 ائوج واجار اواج گوينده
 ماوئنگ مونغ مانگ ماه
 وات وا وا باد
 درزاهي درزن درزن سوزن خياطي
 پيزد مزد مژد مزد
 جن زن ژن زن
 سنين آس آس آهن
 دو - تطبيق برخي از واژه هاي تاتي و تالشي و فارسي با پهلوي
 اوستايي، پهلوي تاتي تالشي فارسي
 اوزار اوزار اوزار ابزار

ازَم از از من
 استك استَه استَه استخوان
 اسپست اسپرز اسپرز اسپرس (یونجه)
 آبه آو آو آب
 ایزم ایزم ایزم هیزم
 توم توم توم تخم، بذر
 خانیک خانی خونی چشمه
 دورو درو درو دروغ
 اوزوان زوان زون زبان
 گوز یوز ووز گردو
 مزگ مغز مزگ مغز
 مزگت مچت مچت - مزگت مسجد
 وفر ور ور برف
 ورکه ور ور بره
 وُهرگ ورگ وزگ گرگ

پیداست که جدولهای بالا تنها به عنوان مثال تنظیم شده و در بردارنده شمار اندکی از واژه های مشابه و هم ریشه تاتی و تالشی با اوستایی و پهلوی می باشند. بدیهی است که اگر پژوهشی در این زمینه انجام گیرد، بی گمان یک فرهنگ تطبیقی چند هزار واژه ای پدید خواهد آمد.

گویشهای گوناگونی که زبان تاتی و تالشی دارد و تفاوتی موجود در بین گویشهای این زبان موضوع دیگری است که جای تأمل بسیار دارد؛ مثلاً مردم کلور به جلو و مقابل می گویند **Pis** ولی در آبای تات نشین دروکه که در مجاورت کلور واقع است - به جای پیش گفته می شود **paran**، کمی بالاتر در آبادی تات نشین اسبو گفته می شود **niyar** اکنون می بینیم نیار اسبویی ها بیش از آنکه به پیش کلوری یا پران دروی شبیه باشد، به نار تالشی به همان معنی جلو و مقابل نزدیک است. علت این تفاوتها در گویشهای یک زبان و در عین حال نزدیکی با زبان دیگر چیست؟ به اینگونه پرسشها پاسخ دقیقی نمی توان داد مگر با انجام پژوهشی گسترده در زبان، تاریخ و

فرهنگ مردم تات و تالش که البته کاري است سترگ و بیرون از چهارچوب این نوشته.

شواهد و دلایل موجود همان اندازه که وجه اشتراك و ارتباط بین تاتی و تالشی با اوستایی و پهلوی را نشان می دهد، گویای پیوستگی های نزدیکی با زبان مادی نیز هست. م دیاکونوف در تاریخ ماد صفحه 350 بر این موضوع تأکید نموده است و در حواشی مربوط به فصل ششم کتاب یادشده می افزاید: زبان تالشی ویژگیهای صوتی اصلی را که خاص زبان مادی بوده حفظ کرده است. همچنین می گوید: در زمان حاضر هم تاتها و تالشان و گیلک ها و مازندرانی ها به لهجه هایی سخن می گویند که خود بقایای زبان هند و اروپایی می باشد که در آغاز زبان ماد شرقی بوده. امتیاز ویژه این لهجه ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات می باشد که در بسیاری موارد با زبان پارسی تفاوت داشته و با مادی و پارتی و اوستایی مشابهت دارد. 10

نظر دیاکونوف و میلر در نوشته های برخی از پژوهشگران ایرانی نیز تأیید شده است. محقق در این مورد چنین نتیجه گیری کرده است که: در بازسازی زبان مادی که تاکنون بیشتر بر اساس آثار این زبان در کتیبه های هخامنشی صورت گرفته است، اکنون می توان بازمانده گویشهای آذری در آذربایجان و تالش را نیز ملحوظ داشت. توافق اصولی قواعد صوتی این گویشها با قواعد صوتی مادی باستان ادامه زبان مادی را در گویش آذری تأیید می نماید. 11

بالاخره اینکه تشابه و تفاوت زبان پهلوی با زبانهای دیرین مانند مادی و اوستایی ظاهراً به همان گونه ایست که تشابه و تفاوت تاتی و تالشی با آن زبانها. در فرهنگ واژه های تاتی و تالشی به نمونه های بسیاری برمی خوریم که نشان می دهد زبان یاد شده گاه از زبان پارسی و پهلوی میانه هم به زبانهای کهن تر نزدیکتر است. اگرچه مشخصاً نوشته ای به زبان مادی در دست نیست، ولی با آگاهی از اینکه برخی از دانشمندان مثلاً دیاکونوف و اورانسکی مادی و اوستایی را دو زبان جدا از هم دانسته اند، باز چنین به نظر می رسد که دو زبان مزبور تفاوت چندانی با هم نداشتند، چنان که اکنون تفاوتهایی در همان حدود بین تاتی و تالشی وجود دارد.

گفتگو درباره اینکه تالشی و تاتی زبان هستند یا گویش و لهجه و اینکه تالشی زبانی جدای از تاتی ست و یا همانند تاتی 12 بازمانده آذری باستان 13 می باشد و بالاخره آیا تاتی و تالشی زبان واحدی را تشکیل می دهند؟ همچنان ادامه دارد. اما وقتی سخن از بازبستگی تاتی و تالشی به زبان آذری به میان می آید، این نکته را نباید از نظر دور داشت که زبان آذری مجموعه ای از لهجه های مختلف است که در قطعه ای از خاک ایران رایج بوده و آثار به جا مانده از آن به

وسیله برخی از پژوهشگران مورد بررسی و استناد قرار گرفته است. بقایای آن لهجه ها با وجود تفاوت‌های قابل تأملی که با هم دارند، اکنون تاتی نامیده می‌شود. قطعه ارضی مزبور که از نهاوند و همدان تا دربند و داغستان از البرز غربی تا زاگرس شمالی وسعت دارد، در آغاز بخشی از کشور ماد را تشکیل می‌داد و طبعاً زبان رایج در آن که بعدها ابن مقفع و دیگران از آن به نام پهل و پرتو یاد کرده اند، چیزی جدا از زبانی به شمار نمی‌آید که زبان مادی نامیده می‌شود. با توجه با اینکه آذربایجان قسمتی از همان سرزمین ماد یا منطقه پهل و پهل می‌باشد که زمانی آتروپاتکان نامیده می‌شد، این نتیجه را می‌توان گرفت که تاتی و تالشی و لهجه قدیم مردم همدان و نهاوند و زنجان و قزوین که به آذری نیز شهرت دارند، همان زبان آتروپاتکان و پهل و پرتو و بالاخره همان زبان رایج در ماد کوچک و به عبارتی خانواده زبان مادی است که به تعبیری پهلوی نیز خوانده می‌شود. تردیدی نیست که زبان آذری جز دنباله زبان مادی نمی‌توانسته باشد؛ چه، آذربایجان و جبال مسکن قوم ماد بوده و هیچ دلیل تاریخی وجود ندارد که پیش از غلبه ترکی، زبان دیگری جانشین زبان مادی در آذربایجان شده باشد. جز آنکه می‌توان تصور کرد که زبان اشکانی و سپس فارسی به نوبت در مراکز عمده آذربایجان تا حدی رواج گرفته و برخی اثرها در آذری به جا گذاشته باشد؛ اما چون از زبان مادی باستان اثر مستقلی در دست نیست و از آن جز برخی اصطلاحات و اسامی و کلمات پراکنده - عمدتاً در کتیبه های هخامنشی - بجا نمانده است، تشخیص دقیق تر آذری و خصوصیات آن تنها از مطالعه آثار آذری در دوره اسلامی و همچنین بقایای آذری در آذربایجان کنونی میسر است. 41

استثنای تالشی کنونی از مجموعه لهجه های آذری سده های میانه و تاتی کنونی، به لحاظ اختلافهای ریشه ای و خانوادگی با آذری و تاتی نیست، بلکه اختلاف موجود در بین تاتی و تالشی ناشی از شرایط محیطی و سیاسی جدا از همی است که این دو شاخه باز بسته به هم یک زبان مشخص، در آن قرار داشته، و در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحولات متفاوتی بوده اند و به لحاظ ارتباطهای فرهنگی و زبانی و اجتماعی و همجواری اقلیمی این دو شاخه زبانی هرگز در مرزی قطعی از هم جدا نمی‌شوند. تفاوت بین اینها در سایه روشن ظریف قرابت و همگنی، به تدریج مشخص می‌شود. چنین به نظر می‌رسد که این سایه روشن از دیرباز وجود داشته و زبانهای مادی و پهل و پارتی را هم در برداشته است. چنان که اختلاف لهجه های تاتی و اختلاف لهجه های تالشی نیز در پس چنان سایه روشنی به چشم می‌خورد. پارت ستیزی بی‌امان

ساسانیان و ارباب آتشکده ها که موجب امحای مطلق آثار فرهنگ و تمدن آن دولت 470 ساله گردید، ما را از دست یافتن به منابع و نشانه هایی که تصویر روشنی از زبان پارسی ارائه دهد، محروم نموده است. امروزه کلمات اندکی از گوشه و کنار به دست آمده است که منسوب به پارسی می باشد مانند درخم = درم، (سکه)، خوتک = دخترک، زان = دان، ژن = بن زدن، هه = ضمیر اشاره، ایم = این و همچنین واژه های مادی: اسپکه = سکه، بگ = داماد، وارکا = گرگ و غیره که همه در تالشی و تاتی با تغییرات اندکی محفوظ مانده است. از این رو می توان مدعی شد که تاتی و تالشی از آثار وسیع و زنده ای می باشند که به نحوی با پارسی مرتبط می شوند و لذا می توانند مرجع نادر و ارزشمندی برای پژوهشگران زبان و فرهنگ پارسی باشند.

با این که در هیچ یک از منابع اولیه و گزارشهای باستان شناسی از سرزمین تالشان (کادوسان) به صراحت جزو ملل تابع مادها و هخامنشی ها و پارتیان یاد نشده است و در همه جا از دولت نامدار کادوس گاه جزو معارضان و گاه از متحدان امپراتوریهای مزبور سخن به میان آمده، ولی به نظر اکثر دانشمندان وابستگی زبان تالشی و تاتی با پارسی و مادی تقریباً به همان اندازه است که وابستگی این زبانها با پارسی باستان و اوستایی. برخی معتقدند که زبان ایرانی اوستا و لهجه خاص گاتاها، زبان مادی نیست و به هر تقدیر آن زبان مادی ایرانی که آثارش در اسامی خاص قرن ششم ق. م و قرنها بعد مشاهده می گردد و بقایای آن در زبانها و لهجه های تاتها و تالشها و گیلانیان و مازندرانیها و سمنانیان و غیره محفوظ مانده، نمی باشد. 51 و بیشتر تأکید در این است که زبان تاتی و تالشی - به قولی لهجه های آذری باستان - به ویژه از لحاظ آوایی و نحوی به مادی که شاخه مستقلی از زبانهای باستانی ایرانی بوده وابسته است. محقق دیگری می گوید: در بازسازی زبان مادی باستان اکنون می توان بازمانده گویشهای آذری آذربایجان و تالش را نیز ملحوظ داشت. توافق اصولی قواعد صوتی این گویشها با قواعد صوتی مادی باستان، ادامه زبان مادی را در گویش آذری تأیید می نماید. 61 این گفته، بیان دقیق تر این نظر دیاکونف می باشد که می گوید: تاتها و تالشها و گیلکها و مازندرانیها به لهجه هایی سخن می گویند که خود بقایای زبان هند و اروپایی می باشد. امتیاز ویژه این لهجه ها کهنگی و مهجوری ترکیب اصوات می باشد که در بسیاری موارد با زبان پارسی تفاوت داشته، با مادی و پارسی و اوستایی مشابهت دارد. . . مثلاً وک (ورگ) تالشی و ورگ مازندرانی و ورك سمنانی که هر سه به معنی گرگ است، بهتر از گرگ فارسی جدید و رکای پارسی باستان و واکای پارسی میانه و مادی را

منعكس مي كنند. قياس كنيد (ژن) تالشي را با (جنا) ي پارسي باستان و (زن) فارسي نو. 17
در مورد زبان تالشي اعم از تاريخچه و سير تطور و وضعيت كنوني اش هيچ سند و تحقيقي در
دست نيست و در زمينه شناخت ويژگيهاي آن در ايران، هيچ تألفي منتشر نشده است. لذا جاي آن
دارد كه در اينجا نگاهی به وضعيت كنوني (تالشي) در ايران و خارج از ايران بيفكنيم!
1- ايران

نخستين كوششهايي كه در زمينه شناخت زبان تالشي صورت گرفته، به قرن اخير برمي گردد و
در آثار محققاني چون ميللر، دياكونف، اورانسكي، درن و گيگر تبلور پيدا مي كند كه البته در اين
زمان اگر چنان كه بايد زبان تاتي را به مثابه جفت توامان يا نيمه دوم تالشي در نظر گيريم،
تحقيقات انجام شده طيف گسترده تري را شامل مي شود و آثار ارزشمند پژوهشگر ايراني، از
جمله كسروي، يارشاطر، عبدالعلي كارنگ، يحيي ذكأ و مرتضي مرتضوي و ديگران نيز
درخشش مي يابد.

با اينكه بخش وسيعي از موطن تالشان در کشور ايران امروز واقع شده و تالشي از جمله زبانهاي
زنده ايراني به شمار مي آيد و علي القاعده مي بايست پژوهشگران و زبان شناسان ايراني توجه
بيشتر به آن مي نمودند، ولي اين وظيفه ملي كمابيش به فراموشي سپرده شده است.
از متكلمان زبان تالشي در ايران آمار دقيق در دست نيست. برآوردهاي غير رسمي نشان مي
دهد كه شمار آنها بيش از چهارصد هزار نفر است. زبان تالشي از آستارا تا سفيدرود در نواحي
كوهستاني تنها زبان رايج است؛ اما در نقاط جلگه اي از شمال به جنوب، جاي خود را تدريجا به
زبان تركي مي دهد و در بخش جنوبي هم با تاثير و تاثيري متقابل اما كم رنگ، با گيلكي
همزيستي دارد.

زبان تالشي در ايران به سه شعبه كلي و متمايز از هم تقسيم مي شود و اين سه شعبه عبارتند از
يك: تالشي شمالي (از عنبران تا لوندويل)، دو: تالشي مياني (از حويق تا تالشدولا)، سه: تالشي
جنوبي (از خوشابر تا فومنات). هر يك از اين شعب مجموعه لهجه هاي نزديك به همي را دربر
مي گيرد. در اين ميان بيشترين تفاوت را در تالشي مياني بين كرگانرودي - حويق، ليسار،
جوكدان - باتالشدولايي مي بينيم كه ضمن سايه روشن ظريفي در منطقه بين اسالم و هشتپر به
تدريج تفاوت و تمايز خود را نشان مي دهند، اما تفاوت لهجه در بين شعب ياد شده گاه به حدي
است كه مردم دو منطقه دور از هم - مثلاً لوندويل و ماسوله - به دشواري زبان يكديگر را درك

می کنند.

از چند دهه پیش به سبب ترک زبان شدن اهالی آستارا و افزایش ارتباطها بین تالشان و اهالی ترک زبان آذربایجان و مهاجرت آذریها به دیار تالش و نبودن هیچ گونه فعالیت هنری و فرهنگی مرتبط با تالش و تالشی، آهنگ رواج ترکی در این دیار سرعت بیشتری یافته است. اهالی شهرستان آستارا که جزو قوم تالش می باشند، مدتهاست که ترک زبان شده اند و تنها در حوالی لوندویل و نقاط کوهستانی آن شهرستان زبان تالشی هنوز متکلمان خود را از دست نداده است. از لوندویل تا حدود لیسار، ترکی، زبان مسلط نقاط جلگه ای است. از لیسار تا هشتمین زبانهای تالشی و ترکی به موازات هم رواج دارند.

به این ترتیب که در مراکز تجاری و آبادیهای بزرگ واقع در مسیر جاده تالش به آستارا بیشتر به زبان ترکی سخن گفته می شود؛ ولی در آبادیهای کوچک سخن گفتن به زبان تالشی عمومیت بیشتری دارد. از هشتمین تا اسالم زبان ترکی به نسبتی کمتر و آنهم فقط در مراکز عمده تجاری مانند آبادی سه راه خلخال رواج دارد. از اسالم به بعد شعاع رواج ترکی قطع می شود. همچنین در این ناحیه برعکس ناحیه شمالی، توجه به زبان فارسی جایگزین توجه به زبان ترکی می شود و در بسیاری از خانواده ها، اعم از تالش یا گیلک، به ویژه در شهرها والدین با فرزندان خود به زبان فارسی سخن می گویند و می کوشند این زبان را به موازات زبان محلی به فرزندان خود بیاموزند.

چنان که اشاره شد، رواج زبان ترکی از شمال به جنوب در اسالم قطع می شود و در تالش جنوبی - تالشدولا، ماسال و شاندرمن و فومنات - با اینکه تالشان با گیلکان دارای روابط وسیعی هستند و آبادیهای زیادی در این ناحیه دربرگیرنده اجتماعات مختلط تالش و گیلک می باشند، ولی کمتر اتفاق افتاده که یک گروه یا خانواده تالش، زبان گیلکی را جایگزین زبان اصلی خود نموده باشد. با وجود عوامل فراوانی که می تواند در امر رایج ساختن زبان گیلکی در قلمرو زبان تالشی در تالش جنوبی همان نقشی را ایفا نماید که ترکی و تالشی در تالش شمالی در مقابل هم دارند، این دو زبان توانسته اند مستقلاً در کنار هم و ضمن آمیزش با هم رایج باشند و حتی تا حدودی ضمن یک وام دهی و وام گیری طبیعی موجب تقویت هم شوند.

2- خارج از ایران

حدود 180 سال قبل یعنی از تاریخ انعقاد عهدنامه ننگین گلستان (21 اکتبر 1813) که ولایات

شمال و ماورا قفقاز، از جمله بخش وسیعی از سرزمین تالش به تصرف دولت روسیه درآمد، تا وقوع انقلاب سوسیالیستی 1917 در آن کشور، نشانه ای حاکی از اینکه سیاست زبانی و فرهنگی خاصی در مورد تالشان و دیگر ایرانی زبانان سرزمین های اشغالی اعمال شده باشد، در دست نیست. از وقایع آن دوره آنچه مورد توجه نویسندگان قرار گرفته و یا در برخی از رسائل و اسناد انعکاس یافته است، شرح مبارزات و پایداریهای مردم ولایات جدا شده از ایران در برابر اشغالگران روسی می باشد. از سالهای پس از انقلاب اکتبر 1917 بنابراین شده بود ممالک به ارث مانده از تزارها مطابق نظم جدیدی اداره شود. سیاستهای مشخصی به اجرا درآمد که به موجب آن اقوام و ملت‌های آن امپراتوری می توانستند در چارچوب خاص انقلاب فرهنگی پس از انقلاب سوسیالیستی 1917، در زمینه های قومی، فرهنگی و زبانی از استقلالی مشروط بهره مند شوند. از این رو تالشان و تاتها نیز ادبیات، هنر، آموزش و پرورش ویژه خود را داشتند. آنها می توانستند به زبان خود بنویسند و بخوانند و آثار ادبی و هنری عرضه نمایند و یا در زمینه فرهنگ قوی خود تألیفاتی منتشر نمایند؛ اما در سال 1937 ناگهان اوضاع دگرگون می شود و به نوشته یکی از محققان آن دیار: مدارس و دبیرستانها نو کلاسهایی که در آن به زبان تالشی تدریس می شد، تعطیل گردید. زبان و حتی نام کتابها و نشریات تالشی را عوض کردند. برنامه ها و مطالبی که به زبان تالشی از رادیوپخش می شد، قطع گردید. بازیگران تئاتر از سخن گفتن به تالشی منع شدند و بالاخره هر آنچه به زبان و فرهنگ تالش مربوط بود، دگرگون شد و به جای زبان تالشی گفته می شد: زبان آستارا و لنکران. 81 به این ترتیب زبان تالشی که تا مدتی کوتاه در فرایند تحوли فرهنگی از وضعیت - به حال خود و ارهیدگی - رسماً در عرصه هنر و ادبیات و آموزش و پرورش به کار گرفته شده بود، سرکوب گردید و تا سال 1989 در همین وضعیت باقی ماند. پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، این زبان بار دیگر در آن دیار به مثابه بارزترین مشخصه هویت قومی و مهمترین عامل حفظ این هویت اعلام وجود کرد و در عرصه ادبیات و هنر و تحقیق و روزنامه نگاری مورد استفاده قرار گرفت. اکنون شاعران و پژوهشگران بسیاری در آن کشور... به زبان تالشی می نویسند و می سرایند. این توجه به زبان مزبور در دیگر زمینه ها نیز مشهود است. عده کثیری از تالشی زبانان نیز در قزاقستان و عمدتاً در شهرستانهای چمکند، آریس، جانبون و چورای آن جمهوری و همچنین در ولایت لنگرخوار، جلال آباد، پاکتیا و مزار شریف افغانستان زندگی می کنند و مجموع تعداد

آنها بیش از 200 هزار نفر برآورد می‌شود.

سرشماری سال 1989 نشان می‌دهد حدود 700 هزار نفر تالشی در جمهوری آذربایجان زندگی می‌کنند. 19. تعدد لهجه آن گونه که در زبان تالشی ایران وجود دارد، در تالشی خارج از ایران نیز محسوس است. اما برخلاف انتظار، به شدتی که تالشی اکثر نقاط تالش نشین ایران متأثر از زبان فارسی است تالشی جمهوری آذربایجان تحت تأثیر روسی و ترکی نیست.

پی‌نوشتها:

1. جهت آگاهی بیشتر در این زمینه مراجعه شود به دانشنامه ایران و اسلام، جلد اول. و کاروند کسروی، به کوشش یحیی ذکا. زبان دیرین آذربایجان تألیف دکتر منوچهر مرتضوی.
2. به نظر برخی از محققان پژوهشگر تات شناسی تاتستان حدود 70 هزار نفر تات زبان در شهر تاتستان، حدود 30 هزار نفر در بوئین زهرا و 7 هزار نفر در منطقه پیشکل دره آبیک سکونت دارند.
3. اهالی نقاط دیگری از ایران، من جمله الموت و طالقان هم خود را تات می‌نامند که لابد دلایلی دارند.
4. مقدمه فقه اللغة ایرانی، ای. م. اورانسکی ترجمه کریم کشاورز صفحه 315.
5. زبانی که در قفقاز و عمدتاً در جمهوری آذربایجان تاتی نامیده می‌شود، با تاتی ایران تفاوت اساسی دارد.
6. برخی آمار و تحقیقات جدید و بررسی میدانی نگارنده نشان می‌دهد که شمار تاتی زبانهای قفقاز حدود دویست هزار نفر است.
7. سبک شناسی، جلد سوم، صفحه 50.
8. دایرةالمعارف مصاحب، غلامحسین مصاحب، جلد اول، صفحه 985.
9. مقدمه فقه اللغة ایرانی صفحه 317.
10. ب. و. میلر، زبان تالشی، مسکو 1953، صص 53، 65 و 227.
11. دانشنامه ایران و اسلام، ج 1، ص 69.
12. تاتی به معنی اخص آن که در آذربایجان رایج است.
13. ناگفته نماند که رابطه تاتی منحصر به زبان قدیم آذربایجان نیست، بلکه تات اصطلاحی

است مانند عجم در برابر عرب و یا تاجیک در برابر ترك كه به وسیله ترکان به گروههایی مختلف از مردم ایران - از خراسان تا زنجان، از همدان تا داغستان - اطلاق شده و هنوز نیز مردمانی پراکنده در این قلمرو خود را تات می نامند.

14 . دانشنامه ایران و اسلام، ج 1، ص 63 .

15 . تاریخ ماد. ا. دیاکونف، ترجمه کریم کشاورز، ص 350 .

16 . دانشنامه ایران و اسلام، ص 90 .

17 . تاریخ ماد، ص 448 .

18 . نشریه صدای تالش، شماره 7، مقاله سخنی با پارلمان آذربایجان .

19 . لغتنامه دانش آموزی تالشی - ترکی، ابوالفضل رجبوف، ص 5، باکو 1992 .

علی عبدلی

این مقاله قبلاً در سه قسمت در روزنامه اطلاعات چاپ شده است.

پاینده ایران

www.ariarman.com